**اهمیت اعتصاب عمومی ۲۱ شهریور در کردستان**

**مصاحبه با محمد آسنگران**

*انترناسیونال: روز چهارشنبه ۲۱ شهریور اعتصاب عمومی در شهرهای مختلف کردستان انجام شد. دلیل برگزاری این اعتصاب و دامنه و وسعت آن اعتصاب به چه میزان بود؟*

آسنگران: اجازه بدهید ابتدا از همه فعالین و دست اندرکاران این اعتصاب عمومی در خارج و داخل ایران تشکر کنم. زیرا آنها کاری هرکولی انجام دادند. بعد از فراخوان اعتصاب عمومی از جانب نیروهای چپ و کمونیست فعالین فقط دو روز وقت تبلیغ و تشویق مردم به این اعتصاب فرصت داشتند. این دو روز فعالین حزبی و اجتماعی در داخل و خارج ایران کاری کردند که مردم وسیعا از آن مطلع شدند. فعالین جنبشهای مدنی و اجتماعی کلا از این فراخوان استقبال کردند. علاوه بر استقبال و حمایت فعالین در ابعاد سراسری از رضائیه تا ایلام برای عملی کردن فراخون اعتصاب عمومی دست بکار شدند و مردم را از آن مطلع ساختند تشویق به پیوستن کردند. در نتیجه این تلاشها میلیونها نفر به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. بدون وجود این فعالین محلی در شهرهای کردستان این حماسه تاریخی که خلق شد ممکن نبود. بنابر این جا دارد ضمن تشکر به همه آنها خسته نباشید بگویم. زیرا این اعتصاب اقدامی تاریخی بود. پاسخی محکم به جمهوری اسلامی بود. یک گام مهم در پیوستگی و هماهنگی مبارزات مردم کردستان با بقیه شهرهای ایران بود که از دی ماه ٩٦ به شکل یک خیزش عمومی علیه جمهوری اسلامی به حرکت در آمده است.

رژیم اسلامی با اعدام سه زندانی سیاسی رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی و متعاقبا حمله موشکی به مقرات هر دو حزب دمکرات کردستان، تلاش کرد فضای رعب و وحشت در جامعه بوجود بیاورد. چون میدانست با خیزش دی ماه ٩٦ مردم ایران فاز جدیدی از مقابله با حکومت را آغاز کرده اند. در عین حال کردستان کانونی بحرانی است که شباهت زیادی به آتش فشان دارد و اگر فعال بشود جمهوری اسلامی توان مقاومت طولانی ندارد. میداند کردستان اگر به خیابان بیاید ناچار است جنگ آخر خود را شروع کند. و این یعنی کل دم و دستگاه سرکوب رژیم را در آتش خشم خود میسوزاند. به همین دلیل ما نیروهای چپ و کمونیست با درک این معادله سیاسی فراخوان مشترک به اعتصاب عمومی دادیم. زیرا هم میخواستیم پاسخ درخور به سیاست جمهوری اسلامی بدهیم، هم مردم را با توجه به توازن قوای کنونی دعوت به اقدامی بکنیم که امکان و توان اجرای آنرا داشته باشند. این یک درایت سیاسی و به موقع بود که چنین تاکتیک درستی اتخاذ شد. هر تاکتیک دیگری ممکن بود ابعاد محدودی داشته باشد یا حتی به ضرر تعادل قوای کنونی تمام بشود. در این مقطع جریانات ناسیونالسیت کرد که برای روز دوشنبه دو روز زودتر فراخوان داده بودند تاریخ فراخوان خود را تغییر دادند. زیرا میدانستند که روز دوشنبه بدون حضور نیروهای چپ فراخوانشان پاسخ عمومی نخواهد گرفت.

ابعاد این اعتصاب عمومی وسیعتر از همه موارد قبلی بود. از ارومیه تا ایلام را در بر گرفت. اگر چه به دلیل فرصت کم، امکان تبلیغ و تشویق مردم به پیوستن به اعتصاب عمومی محدود بود با اینحال در ابعادی وسیع مردم به آن پیوستند. در این حرکت اعتراضی مهم در عین حال یک بار دیگر تفاوت صف ناسیونالیسم و کمونیسم با طرح مطالباتشان برای این اعتصاب مشخص شد. فراخوان کمونیستها به مردم برای اعتصاب عمومی با خواستهای مشخصی همراه شد. ١ـ محکوم کردن اعدام سه فعال سیاسی و لغو مجازات اعدام ٢ـ محکوم کردن حمله موشکی به مقرات هر دو حزب دمکرات کردستان ٣ـ آزادی زندانیان سیاسی ٤ـ پایان دادن به کشتار کولبران و تامین زندگی شایسته برای آنها. احزاب ناسیونالیست سیاستشان تماما قومی و تفرقه افکنانه بود. زیرا تلاش کردند فاصله ای بین مردم کردستان و بقیه شهرهای ایران ایجاد کنند.

انترناسیونال: اهمیت این اعتصاب در چه بود؟

آسنگران: اهمیت این اعتصاب عمومی را باید در شکست سیاست جمهوری اسلامی دید. حکومت اسلامی در کمپین نجات رامین حسین پناهی با یک مخمصه بزرگ روبرو شده بود، هر ورقی رو میکرد و هر تاکتیکی برای اجرای حکم بکار میبرد، از طرف مردم معترض و سازمان دهندگان کمپین پاسخ درخور را میگرفت. چهار ماه تمام یک نبرد روز به روز در جریان بود، حکومت میخواست اعدام کند ولی نمیتوانست. بعد از مدتها بالاخره اطاق فکر رژیم تصمیم گرفت، ابتدا همانند کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی از صدا و سیمایش استفاده کند، فیلم هایی تهیه کردند در مورد رامین و خانواده اش، سپس بی توجهی و پوزخند زدن مردم را دیدند. نوشتند و گفتند مردم میخواهند حکم اجرا بشود و سپس در مقابل اعتراضات بین المللی و اعتراض مردم در ایران، سپاه تصمیم گفت به سیم آخر بزند، هم زانیار و لقمان را که پرونده آنها در یک پروسه دیگری افتاده بود، به سلول انفرادی منتقل کرد و هم به مقر دو حزب دمکرات حمله کرد و با اعدام سه فعال سیاسی، خواستند نشان دهند هستند و میتوانند بکشند.

رژیم با اعدام سه فعال سیاسی دست به کاری زده بود که بگوید کمپین کردن برای نجات آنها بی فایده بود. در عین حال برای ساکت کردن مردم در پاسخ به این جنایت، حمله موشکی به اپوزیسیون را همان روز با فاصله چند ساعت انجام داد که بگوید توان نظامی و قدرت مقابله با مخالفینش را دارد. ناگفته نماند این اولین بار است که جمهوری اسلامی با موشک به اپوزیسیون خود حمله نظامی انجام میدهد. زیرا از این طریق میخواست مردم را مقهور قدرتنمایی خود بکند. با شوک تراپی میخواست جامعه را مرعوب بکند. جمهوری اسلامی اگر این پاسخ را از اپوزیسیون و مردم نمیگرفت هنوز میتوانست ادعا کند که احزاب جایگاهی ندارند و مردم مقهور سیاست حاکمان شده اند. اما اکنون تمام نقشه های شوک تراپی رژیم نقش بر آب شده است. نه فقط این بلکه حکومت در مقابل دچار شوک شد و دید که احزاب در کردستان نفوذ دارند و مردم متحدانه یک سیلی محکم و قاطع به گوش خامنه ای و سران سپاه و رئیس جمهور حکومت اسلامی زدند. در یک کلام، مردم پاسخ قاطع و روشنی به جمهوری اسلامی دادند. با این اعتصاب عمومی نشان دادند که جمهوری اسلامی با هیچ ترفندی امکان و توان مرعوب کردن مردم را ندارد. همینجا لازم به تاکید است بگویم این قدرتنمایی نظامی نبود بلکه ترس از مرگ حتمی بود که جمهوری اسلامی را به صرافت چنین سیاست و تاکتیکی انداخت. با این حال مردم با این اعتصاب عمومی همبستگی و اتحاد بالایی از اراده و خواست خود را نشان دادند. فضای سیاسی جامعه کردستان و تاثیرات آن در ابعاد سراسری چنان موثر بوده است اکنون بسیاری از فعالین سیاسی و اجتماعی به چنین اقدامی در بعد سراسری ایران را مورد بحث و بررسی قرار میدهند.

یک اهمیت دیگر این اعتصاب این بود که جامعه تحزب یافته از قدرت و توان بسیار بالاتر و هماهنگ تری برخوردار است و تحزب یکی از ابزارهای مهم مقابله با دشمنان است. زیرا روشن است بدون فراخوان احزاب سیاسی بویژه چپها و کمونیستها چنین پاسخ قاطع و هماهنگ و گسترده ای ممکن نبود. کسانیکه هنوز از جایگاه حزب و قدرت و تاثیرات آن غافل هستند بعد از این اتفاق قاعدتا باید متوجه این حقیقت شده باشند.

انترناسیونال: بجز رسانه های جمهوری اسلامی و رسانه های مجاز در داخل کشور، سازمان ها و احزاب اصلاح طلب در مورد این اعتصاب سکوت کردند. دلیل این سکوت را چه میدانید؟

آسنگران: راستش را بخواهید اکنون پدیده ای قابل توجهی به اسم احزاب و سازمان اصلاح طلب وجود خارجی ندارند. همه آنها بعد از خیزش دیماه از اصولگراها، اصولگرا تر شده اند. نگرانی آنها از سقوط جمهوری اسلامی کمتر از اصولگرایان نیست. آنها طیفی پراکنده، بی افق و بی آینده هستند که بدون جمهوری اسلامی فضایی را با این شکل و شمایل کنونی اشغال نمیکنند. در عین حال اصلاح طلبان اکنون یک کالای کهنه و مصرف شده هستند. آنهایی که هنوز خود را اصلاح طلب میدانند تاریخ مصرفشان بسر آمده و هیچ کس آنها را جدی نمیگیرد. ساکت بودن و نبودنشان اتفاقی در جامعه خلق نمیکند. حتی اصولگراهای مایوس هم آنها را جدی نمیگیرند. به همین دلیل تا کنون حاضر به معامله با آنها هم نیستند. وقتی که مردم با شعار "اصلاح طلب، اصولگرا دیگر تمامه ماجرا" به خیابان آمدند، تیر خلاص به این جنبش زدند. افراد پراکنده و بریده از این طیف هم بیشتر به صف ناسیونالیستهای ایرانی نزدیک شده اند. قبلا مشغول نبش قبر امامان "اصلاح طلب" شیعه و مناسک مذهبی بودند و میخواستند تفاسیر دیگری از اسلام و قرآن به خورد مردم بدهند که نگرفت. اکنون مشغول نبش قبر کورش و داریوش هستند. آنهایی هم که در حاشیه جمهوری اسلامی مانده و مشغول رانت خواری هستند از ترس فرماندهان سپاه به خامنه ای نزدیک شده اند تا خود را ولایتمدارتر از هر کس دیگری نشان بدهند. طیفی هم هستند که مشغول غر و لند به اصولگراها هستند و جامعه هم گوش شنوایی برای آنها ندارد. بنابر این حرجی بر اینها نیست. سکوتشان طبیعی است بجز این غیرطبیعی بود. اکنون آنها هست و نیستشان تماما به ادامه جنایات دستگاه سرکوب و سپاه پاسداران گره خورده است. بعضی از "عاقلان" این طیف بعد از بیست سال تازه به این نتیجه رسیده اند که جمهوری اسلامی اصلاح بشو نیست.

ناسیونالیستهای ایرانی و عمدتا طیف راستهای سلطنت طلب و سکولار دمکرات و ... هم در مورد اعتصاب عمومی مردم یا سکوت کردند یا با یک لفاظی آغشته به تبختر فقط در مورد اعدامها و حمله به اپوزیسیون حرف زدند چیزی در مورد اعتصاب عمومی مردم کردستان نگفتند. حتی رسانه های رسمی مانند بی.بی سی و رادیو فردا و صدای آمریکا و ... هم وقتی از این اعتصاب عمومی حرف زدند اسم احزاب چپ و کمونیست را خط زدند و آنرا آگاهانه به پای فراخوان احزاب ناسیونالیست نوشتند. بنابر این جبهه راست یا سکوت کرد یا جایی که حرف زد بخش عمده ای از حقیقت را سانسور کرد. تلاش جبهه راست قومی و ناسیونالیستهای ایرانی و رسانه های رسمی این بود که این حرکت را نه در ادامه جنبش دی ماه ٩٦ و تجمعات سرخ مریوان و سنندج، بلکه حرکتی قومی و ناسیونالیستی قلمداد بکنند. در حالیکه تاکتیک اعتصاب عمومی از سالها پیش هم تاکتیک چپها و کمونیستها بوده است. ناسیونالیستهای کرد همیشه خود را با نیروی مسلح تداعی کرده اند. تازه بعد از چهل سال هنگامیکه ناسیونالیستها خواستند اهمیت شهر را بگویند، گفتند اتحاد شهر و کوه! مصطفی هجری با صراحت بیشتری از بقیه اینرا گفت و کل حرکت مردم کردستان را قومی تفسیر کرد. اما چپها و کمونیستها همیشه اتکا و مرکز ثقل قدرتشان شهر و نقش جنبشهای اجتماعی و طبقاتی بوده است.

در این حرکت دو سیاست و دو جنبش اجتماعی با خواستگاهها و مطالبات متفاوت علیه جمهوری اسلامی قد علم کردند. چپها و ناسیونالیستها.

ناسیونالیسم کرد با اتکا به تفسیر خود که اتحاد شهر و کوه را سر داد (شار و شاخ) منظور ناسیونالیستهای کرد از گفتن شاخ اشاره ای به نیروی مسلح شان است که در چند سال اخیر دستمایه معاملات منطقه ای و اقلیمی شده است و قبلا به این موضوع بطور مفصل پرداخته ام که همه احزاب ناسیونالیست کرد منطقه در بین قدرتهای منطقه ای و جهانی تقسیم شده اند. اما کمونیستها و چپها مطالبات مشخصی را در این حرکت نمایندگی کردند که قبلا به آن اشاره کردم. علاوه بر خواسته های این اعتصاب همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با دیگر شهرهای ایران یکی از مهمترین سیاستهای بود که کمونیستها بر آن تاکید نمودند. حمایت احزاب چپ و شخصیتهای کمونیست و آزادیخواهان در بعد سراسری و همدلی و حمایت فعالین سیاسی و مدنی در ابعاد سراسری از این اعتصاب عمومی تا حدود زیادی این توقع را پاسخ داد.

انترناسیونال: این اعتصاب چه دستاوردهایی داشت و چه نتایجی از آن میتوان گرفت؟

اتحاد و همبستگی مردم در یک اقدام هماهنگ و قدرتمند یک دستاورد بسیار مهم مردم در این اعتصاب بود که بیش از پیش به قدرت خود پی بردند و آنرا در تجربه عملی دیدند. در شرایط سیاسی کنونی یک بار دیگر نشان دادند که جمهوری اسلامی هیچ جایگاه و پایگاهی ندارد. مردم با این اقدام سراسری در کردستان نشان دادند که دردی مشترک دارند و راه حلی که باید این درد را برطرف کند اتحاد مبارزاتی خود آنها است. یکی از نتایجش این بود که وجود جمهوری اسلامی به عنوان رژیمی فاسد، ارتجاعی و خونریز حافظ سرمایه داران و باعث و بانی ادامه تمام مصائب موجود جامعه است. مردم بیش از پیش به این نتیجه رسیدند که برای رهایی از فقر و نابرابری و ستمگری و پایان دادن به کشتار مخالفین باید در قدم اول جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. اتحاد و همبستگی اگر در ابعاد کردستان اینقدر مهم و تعیین کننده است بدون شک این اتحاد و همبستگی در ابعاد سراسری بسیار با اهمیت تر و تعیین کننده تر است که مردم بتوانند از شر کل این دستگاه جنایت خلاص بشوند.

یک نکته مهم و قابل توجه دیگر اینکه همه اقشار و فعالین اجتماعی و سیاسی در خارج و داخل دیدند و متوجه شدن که احزاب سیاسی جایگاه و موقعیت بسیار مهم و تاثیر گذاری دارند. کسی اگر بخواهد سنگی روی سنگ بگذارد و اقدامی در جهت قدرتمند کردن جنبشهای اجتماعی انجام بدهد راهش این است که باید متحزب بشود. اما پیام مهم و اصلی این اعتصاب عمومی این بود که جنبشی قوی و تعیین کننده حول مخالفت با اعدام در ایران و مبارزه با جمهوری اسلامی شکل گرفته است و این جنبش و این خواست میلیونی را در کردستان مشاهده کردیم. بنابر این نقش تاریخی و مهمی که این اعتصاب عمومی داشت و در آینده ایران تاثیرات تعیین کننده ای دارد این بود که مخالفت با مجازات اعدام و جنایات جمهوری اسلامی اکنون یک جنبش توده ای و قوی در ایران است. بدون شک میتوان امیدوار بود که با سرنگونی جمهوری اسلامی هیچ کس و هیچ دولت و حزبی توان و جرات اینرا نداشته باشد که از مجازات اعدام دفاع کند. تاریخ سیاسی ایران میرود که برای همیشه پایانی بر مجازات اعدام بگذارد.